

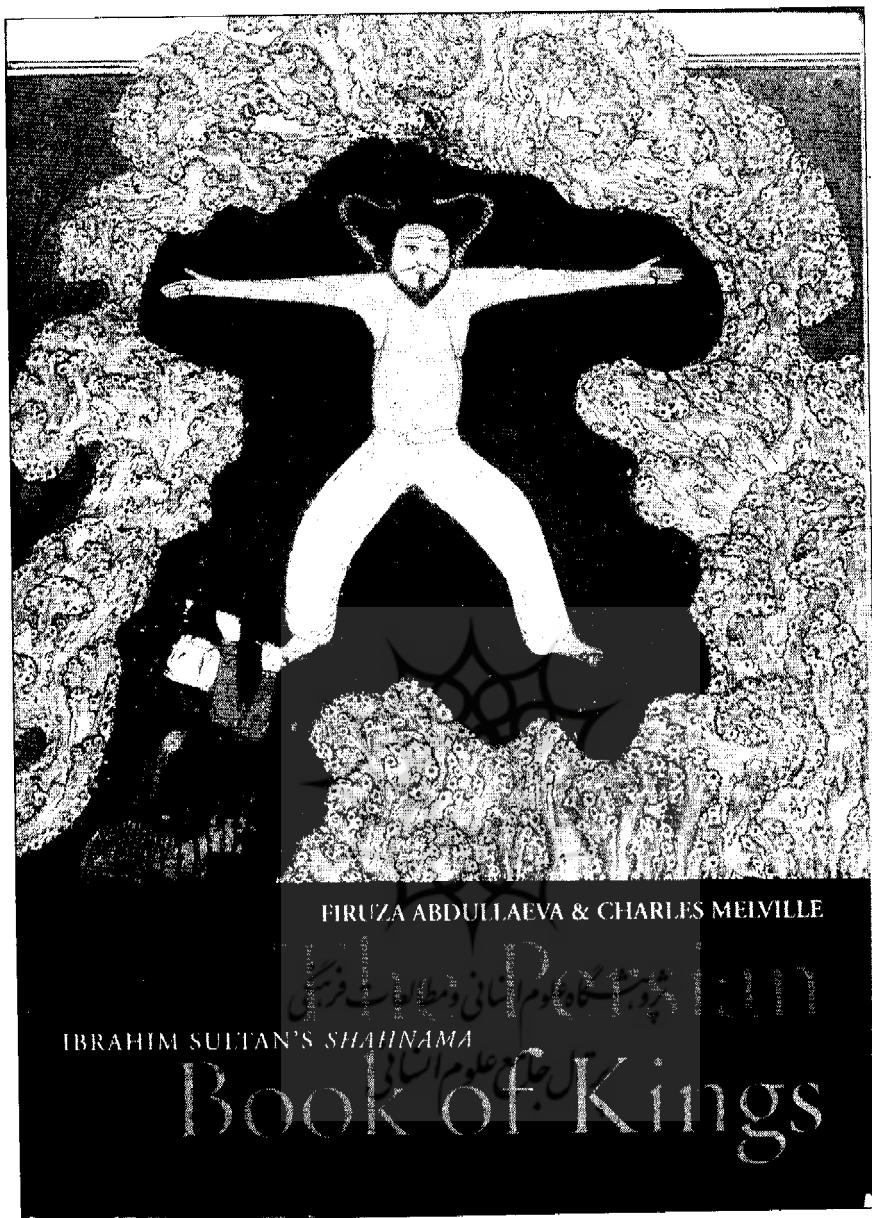
۱۴۷

بخارا  
سال دوازدهم  
شماره ۷۵  
فروردین - تیر  
۱۳۸۹

کتاب شاهنامه ابراهیم سلطان در سال ۲۰۰۸ میلادی توسط انتشارات کتابخانه بودلیان<sup>۱</sup> دانشگاه کمبریج انگلستان منتشر شد. نویسندگان خانم فیروزه عبدالوا<sup>۲</sup> استاد دانشگاه آکسفورد و آقای چارلز ملویل<sup>۳</sup> استاد دانشگاه کمبریج هستند که این شاهکار هنری سده پانزده میلادی را معرفی می‌نمایند. شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان به دستور او بین سال‌های ۱۴۳۰ و ۱۴۳۵ در شیراز تهیه گردید. ابراهیم سلطان (۱۴۳۵ - ۱۳۹۱) فرزند شاهرخ و نوه تیمور گورکانی است. شاهرخ برخلاف پدر، پادشاهی صلح‌جو بود و دربار او در هرات کانون درخشان ادب و هنر گردید. فرزندان شاهرخ به نام‌های ابراهیم سلطان، بایستقر میرزا، محمد جوکی و الغ‌بیک هر یک در گسترش دانش و فرهنگ زمان خود کارهای باارزشی بجا گذاشتند.

من پس از خواندن این کتاب به یاد نوشته فرانسیس ریشارد در کتاب کتاب فارسی<sup>۴</sup> افتادم که هنردوستی خاندان تیموری خراسان را که در سده‌های ۱۴ و ۱۵ بر ایران فرمانروایی می‌کردند را با خاندان فرهنگ و هنر دوست مدیچی<sup>۵</sup> که در سده‌های ۱۵ تا ۱۷ بر شمال ایتالیا فرمانروایی کردند، مقایسه می‌نماید. او شمار هنرمندان دربار تیموریان خراسان را بیش از هنرمندان دربار مدیچی ایتالیا می‌شمارد. بی‌گمان کتاب فوق یکی از بهترین کارهایی است که تاکنون در مورد شاهنامه فردوسی و کتاب‌های دستنویس آن، به زبان انگلیسی، انتشار یافته است. نویسندگان پیش از آنکه به کتاب

1. Bodleian Library
2. Firuza Abdullaeva
3. Charles Melville
4. Le Livre Persan
5. Medici



• روی جلد شاهنامه ابراهیم سلطان: فریدون ضحاک را در کوه دماوند در بند می‌کند.

شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان پردازند پیشگفتار کوتاهی در مورد چگونگی دسترسی دانشگاه کمبریج به این شاهنامه دارند. سپس آنها به شاهنامه و زندگی فردوسی می‌پردازند و کهن‌ترین شاهنامه‌های دستنویس سده سیزدهم و همچنین شاهنامه‌های دستنویس سده چهاردهم که آراسته به نقاشی مینیاتور هستند را بررسی می‌کنند و سرانجام به شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان می‌پردازند.

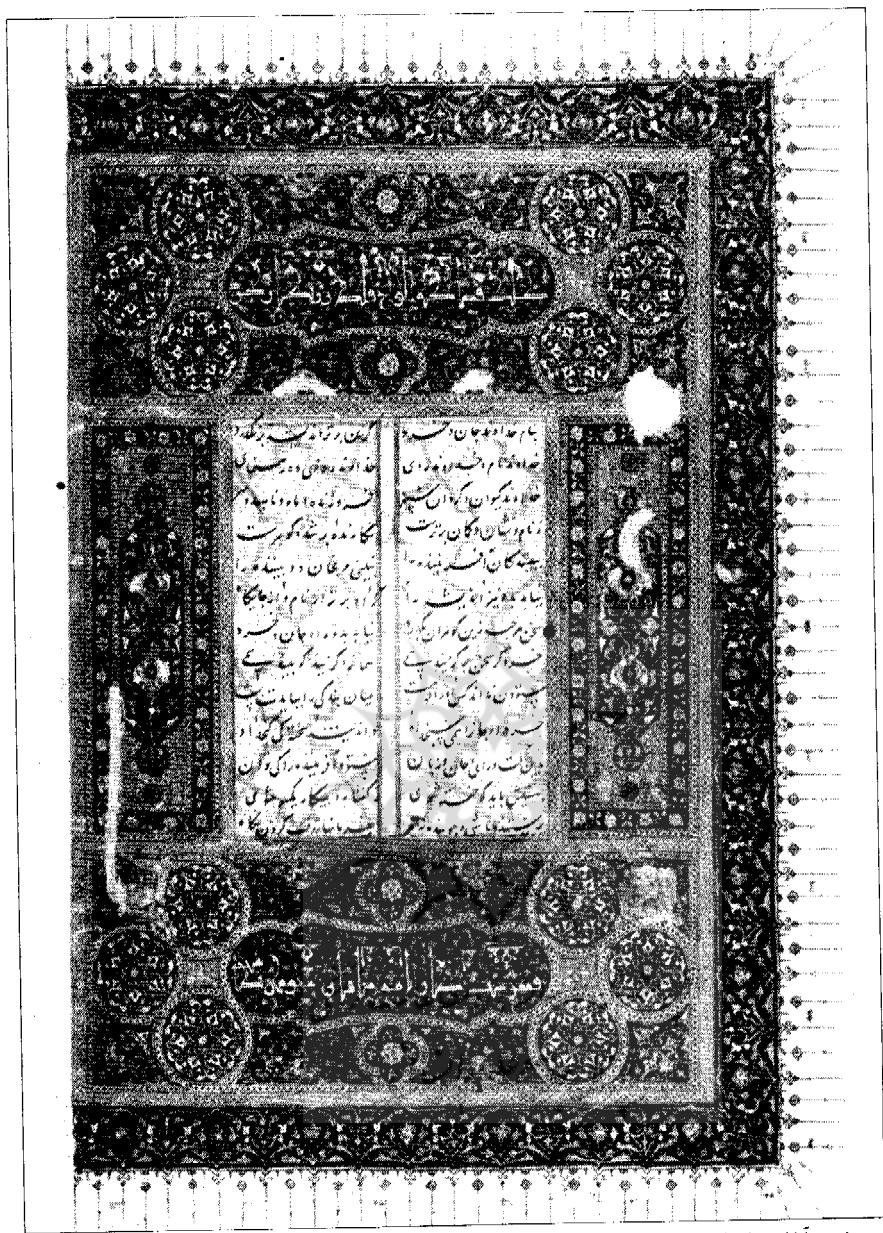
گام او بر آینه خواهمی بفر تو آن دور از کوه این بفر کان بره انداز تا گوش زمین بیجان سرو پای که گشایش دو بیجان تر کس کی بفر بجز دو بیجان ز سر حرکت بیجان بر سر گوشه دود بیرون سپردن است و یک غایب یک گوشه است از دنیا	که ما در جزایرت دم است شود ما در از تر تو تر نور بند بجان خود در دوش جو خواسی که خوانت کس دست انداز بر خود است کز که بد ما فدا اندر است زدی بجان برود غیب هم کان سرور گوشه است بیرون آمدن را اندازد کان	چنین است از دهه گامی و زمان پس تو را را که مملکت زنده گشته در گوش گام زنده که در غم رام کور ماسکه جو کار اندر شش هم اندر زده ان ز چون دو بیجان گامی برود گوش یکی است از دهه سرو پای که گوشش بیجان	با سو بپرست در آن جو سو ز جنگ تو که ای از اربابش بود را که بخت از آن است سپید بر پای آن سرش زبان سرور نغمه آمدن اهل پند آمدش بود بران سر از دهه بران
---	---	---	--



• بهرام گور در حال شکار، به همراه آزاده

کتاب شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان از آن سر گور اوزلی، دیپلمات انگلیسی، بود. او که بیش از دو دهه از زندگی خود را در هندوستان گذارنید زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را در آنجا آموخت و در سال ۱۸۱۰ میلادی به سرپرستی سفارت بریتانیا در ایران برگزیده شد. دانشگاه کمبریج، کلکسیون شخصی کتاب‌های دستنویس سر گور اوزلی را که شامل ۳۵ کتاب دستنویس

1. Sir Gore Ouseley (1770 - 1844)



• صفحه آغاز شاهنامه ابراهیم سلطان

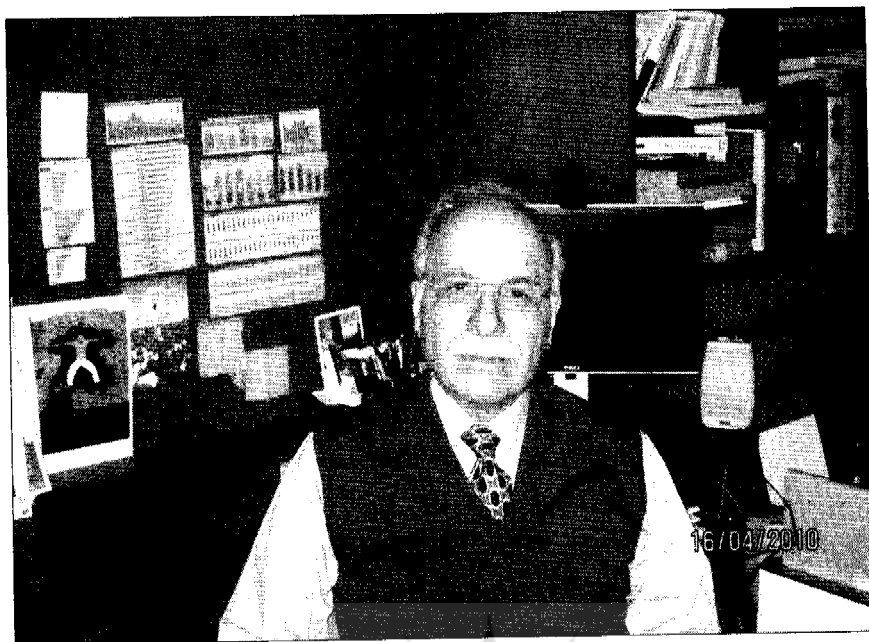
و از جمله شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان بود، پس از مرگ او از بازماندگان او در سال ۱۸۸۵ خریداری نمود. هم‌اکنون شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان با شماره Ms Ousley Au ۱۷۶ در کتابخانه بودلیان دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود.

نویسندگان در کتاب خود نخست یک بازنگری کوتاه بر شاهنامه و زندگی فردوسی دارند. آنها شاهنامه را به سه قسمت اسطوره‌ای، قهرمانی و تاریخی تقسیم می‌کنند و به گونه فشرده هر سه

پاره را بازگو می نمایند. آنها چنین می پندارند که در شاهنامه پادشاه قدرت اصلی است و پس از او مقام های بعدی و طبقات اجتماعی قرار دارند که وظیفه هر گروه مشخص و غیر قابل تغییر است. همین دید طبقاتی در مورد زنان و رابطه زنان با مردان نیز برقرار است و به طور کلی شخصیت زنان در سنجش با شخصیت مردان کم تر بررسی شده است. از دید نویسندگان در این حماسه ملی ایران، این قهرمانان هستند که سرنوشت خود را می سازند. در مورد زندگی فردوسی نویسندگان می گویند که شاعر در لابلای اشعار حماسی خود بیوگرافی کوتاهی از زندگی خود را بازگو می کند. آنها کهن ترین زندگی نامه فردوسی که در سال ۱۱۵۶ میلادی در چهار مقاله نظامی عروضی آمده است را بازگو می نمایند. آنها چنین می پندارند که فردوسی به اهمیت کتاب خود آگاه بوده و می دانست که تاریخ و تمدن باستانی ایران که به فراموشی سپرده شده از یک طرف مورد تجاوز فرهنگ عربی - اسلامی و از طرف دیگر تحت نفوذ سیاسی ترک های آسیای میانه قرار گرفته بود را زنده نگهداشته است. اما نویسندگان در تعجب اند که چرا فردوسی کتاب خود را به سلطان محمود غزنوی که با هیچ یک از آرمان های او همانندی نداشت پیشکش نمود، در حالی که معلوم بود که سلطان محمود به آسانی می تواند درک کند که این کتاب نه برای او بلکه برای هماوردهای او نوشته شده است.

پس از آشنایی با شاهنامه و فردوسی نویسندگان به شاهنامه های دستنویس سده های سیزدهم و چهاردهم می پردازند. قدیمی ترین شاهنامه دستنویس موجود به تاریخ ۱۲۱۷ نوشته شده و در شهر فلورانس ایتالیا نگهداری می شود. این تاریخ همزمان با یورش مغول ها به ایران است که با ویرانی شهرهای ایران همراه بود و شاهنامه های دستنویس نخستین را از بین برد. شاهنامه دستنویس کتابخانه ملی بریتانیا در لندن تاریخ ۱۲۷۶ را دارد. این دو شاهنامه دستنویس سده سیزده دارای نقاشی نمی باشند. کهن ترین شاهنامه های دستنویس شناخته شده که آراسته به نقاشی مینیاتور هستند، تعدادی شاهنامه کوچک اند و ما تاکنون به درستی نمی دانیم که در چه سالی، کجا و برای کی نوشته شده اند؛ اما به نظر می رسد که این شاهنامه ها در سال ۱۳۰۰ در بغداد نوشته شده باشند. این شاهنامه های کوچک رویهم رفته ۲۷۰ مینیاتور دارند که ۱۷۸ موضوع مختلف را نشان می دهد. در سده چهاردهم میلادی شاهنامه های دستنویس دیگری در شهرهای مختلف ایران نوشته شد. شیراز که از یورش مغول ها در امان مانده بود به یکی از مراکز هنر کتاب پردازی تبدیل گردید. هم اکنون چهار شاهنامه دستنویس آراسته به نقاشی مینیاتور از دوران سلاطین مغول اینچور شیراز بجا مانده که در سنجش با شاهنامه های دستنویس تبریز از نظر هنری کم ارزش تر اند. اما دو شاهنامه دستنویس از دوران فرمانروایان آل مظفر شیراز یکی با ۱۲ نقاشی مینیاتور و دیگری با ۶۷ نقاشی مینیاتور که در سال های ۱۳۷۱ و ۱۳۹۳ نوشته شده اند دارای ارزش هنری برجسته ای هستند.

ابراهیم سلطان در سال ۱۴۱۵ از طرف پدر فرمانروای شیراز می گردد که تا پایان زندگی خود در سال ۱۴۳۵ در این مقام باقی ماند. دربار ابراهیم سلطان همچون دربار پدر در هرات به کار هنر کتاب پردازی دلبستگی ویژه نشان می داد. در این سال ها در شیراز کتاب های دستنویس بسیاری آراسته به تذهیب و نقاشی مینیاتور تهیه شد که علاوه بر شاهنامه چند نسخه خطی قرآن کریم و همچنین



• محمود متقالچی

کتاب دستنویس آراسته به نقاشی مینیاتور ظفر نادر نوشته علی یزدی، تاریخ نویس دربار ابراهیم سلطان را می توان نام برد. شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان دارای ۴۸۶ برگ (۹۳۶ صفحه) در اندازه های ۱۹/۸×۲۸/۸ سانتی متر (که تقریباً اندازه یک صفحه T۴ است) می باشد. هر صفحه دارای ۳۱ خط و در ۴ ستون نوشته شده است. با در نظر گرفتن فضاهای مخصوص نوشتن سرلوحه ها و همچنین نقاشی ها نویسندگان چنین می پندارند که این شاهنامه دارای ۵۰۰۰۰ بیت است. این شاهکار هنری دارای ۱۷۶ مینیاتور است که به غیر از چند مورد، بقیه موضوع ها در شاهنامه های دستنویس پیشین نقاشی شده اند. جدا از نقاشی ها هنر تذهیب به بهترین و زیباترین نوع خود در این شاهنامه به کار گرفته شده است، و برای اولین بار هنرمند تذهیب کار به نام ناصر السلطانی امضاء خود را در یکی از تذهیب ها آورده است. این کتاب مقدمه شاهنامه ابومنصوری را دارد. اما جالب اینجاست که علاوه بر آن پیشگفتاری دارد که به مقدمه شاهنامه بایسنقری خیلی شباهت دارد. از آنجا که تاریخ نگارش شاهنامه بایسنقری چند سال پس از تاریخ نگارش شاهنامه ابراهیم سلطان است، این موضوع کمی پیچیده به نظر می رسد. برای پاسخ دادن به این معما نویسندگان بر این باورند که چند صفحه اول شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان سفید بوده و بعدها این پیشگفتار بر آن افزوده شد. آنها برای اثبات ادعای خود چنین استدلال می نمایند که خط این پیشگفتار با خط شاهنامه دستنویس ابراهیم سلطان که نستعلیق دهه های نخستین سده چهاردهم میلادی است اندکی تفاوت دارد. نویسندگان سپس ۴۲ نقاشی مینیاتور از ۱۷۸ نقاشی این کتاب دستنویس را با کیفیت خیلی خوب در کتاب خود چاپ کرده و در مورد هر یک از آنها توضیحات جامعی ارائه می دهند.